

مشقی تازه در روزهای غربت

حسینعلی مکوندی

مارچ ۲۰۰۸ - فریمانت کالیفرنیا



صفات و خصائل عالی انسانی، اخلاقی و فوق انسانی نباشد در ضمن استاد، شاعر و نویسنده و اهل فضل و دانش نباشد چندین کتاب تحقیقی و علمی چاپ نکرده در بستوی منزل نداشته باشد و در طول عمرش شبانه و محرمانه به فقر و بینویان کمک نکرده و یا تعدادی اختراع و اکتشاف از او باقی نمانده باشد مهتمتر آنکه نود درصد ناگهانی می میرند. انگار از ابتدای خلقت قرار بود عزرائیل سه هفته یا دو هفته قبل بیاید اطلاع بدهد که کی چه وقت می میرد... (منبع کتاب روزگار خوش - خسرو معتمد و نورالدین آزاد)

مردی بزرگ از طایفه چشمه و چراغ

گاندی، در شیوه عدم خشونت خود می گفت: با دشمن خود هم مهربان باشید، گرچه میدانم سخته، درسته کارهای بزرگ همیشه سخته. گاندی شرق را اعتبار تازه ای داد. مقاومت را به جهانیان با عمل خود تدریس کرد، اهل مقام و زر و زور نبود. او را باید دوباره شناخت، کافی نیست که فقط تنها در تهران نام خیابانی را بگذاریم خیابان گاندی گاندی تسلیم در برابر نابرابری ها را تاب نمی آورد همیشه هزار چرا در جامعه خود بر لب داشت. عاقبت دیدید این چراغ را خاموش کردند



و یادش در قلب ها کتیبه شد و بیداران با صدای بلند برایش گریستند بیداران تمام خاک خدا. اما یک پیاله از حرف گاندی اینست. «حقیقت در قلب همه آدم ها وجود دارد باید در آنجا جستجویش کند که خود می فهمدش. چراغ راهش سازد. هیچ کس محق نیست دیگران را وادارد بر طبق فهم او از حقیقت راهی را به پویند.» «در میان تجربه های سخت، درس عالی غلبه بر خشم را آموخته و دانسته ام که همانگونه که گرما، اگر کنترل شود به انرژی تبدیل میشود خشم نیز در صورت مهار شدن می تواند به نیروی مبدل گردد که جهان را تکان می دهد.»

* منبع: تصویر و برخی سخنان گاندی از کتاب راه عشق ترجمه شهرام نقش تبریزی است.

چگونه نویسنده ای اثر خود را خلق می کند؟

آنچه نویسنده گان از آن بهره و الهام می گیرند بعد اثری را خلق می کنند اصطلاحاً به آن «پروتوتیپ» می گویند در کتاب ارزنده منشاء شخصیت در ادبیات داستانی به نمونه های مختلفی از این «پروتوتیپ ها» در آفرینش چند تن از نویسندگان صاحب نام اشاره می کند بطور مثال در صفحه ۱۴۰ این کتاب چنین آمده است «...تأثیر برخی از آثار ادبی به حدی نیرومنداست که نویسندگان می که بعدها می خواهند اثری با درون مایه مشابه با آنها خلق کنند نمی توانند از حیطه میدان مغناطیسی آن آثار رهایی یابند. یکی از کاراکترهای نیرومندی که بطور مثال پس از خود تأثیری بسیار در شکل گیری قهرمانان آثار ادبی دیگر داشته، دن کیشوت است در تاریخ ادبیات کاراکترهای بسیاری در صورتها و لباس های گوناگون و در چهارچوب فرهنگها و زمانها و مکانها ظهور کرده اند که کم و بیش دارای ابعادی دن کیشوت وار داشته اند ذاتی جان ناپلئون اثر ایرج پزشکزداد چارچون شیدائی شبیه دن کیشوت است مانند دن کیشوت دشمنانی خیالی دارد و همواره در پس هر اتفاق مضحک و پیش پا افتاده دست انگلیسی ها را می بیند و به

منطقه فضول آباد:

حسینعلی مکوندی - کالیفرنیا - فریمانت
مارس ۲۰۰۸ میلادی

همیشه بگی پارسال چه کار قابلی کردی؟

این حرفو از چند تائی بقولی سوالات کردیم، می گفتن به کارایی کردیم خیلی هم قابل نیستن اما خوشحالیم گفتیم باشه. حکما کارای درستیه بگین خوشحال میشیم حرفاشون سر جمع اینا بود، دستشون درد نکنه کاراشون الحق و الانصاف خوب بود.

* من بگم؟ بگو و با سپاس: بعد از چند سالی زدم رفتم وطن بیشتر بشوق اول مادر، تعریف نباشه زورم میرسید برای مادر نزدیک خونه خاله ام به خونه نقلی برایش خریدم حالا اینقدر از این کار خودم خوشحالم که نکو.

جدی میگم دلم میخواد وقتی هم که می خوام بمیرم دستم توی دست مادرم باشه و دیگه از خدا چیز دیگه ای نمی خوام. * من زن و بچه را فرستادم ایران و شیراز. خانه مان اشکالات زیادی داشت توی همین هوای سرد شروع کردم به تعمیر هنوز کارم تمام نشده ولی خوشحالم سه تا پنجره بزرگ عوض کردم سقف یک اتاق اشکال اساسی داشت دوباره درست کردیم کف یک اتاق رو عوض کردم. خانه را هم دارم دوباره رنگ میکنم البته خیلی خستگی داشت و لاغر هم شدم ولی اشکال نداره، لازم بود.

* داشت خیلی دیر میشد رفتم ایران با کمک مادرم زن گرفتم خیلی هم از این کار راضیم حالا بیشتر می فهمم چقدر با هم بودن خوبه و مشکل نداشتم. آدم زن که می گیره انگار زندگی رو دوباره معنا می کنه.

* پارسال حسابی جسیبدم به ورزش و پیاده روی پرخوری رو هم گذاشتم کنار، لاغر شدم و شاداب و سرحال.

* برای بچه ها معلم زبان فارسی گرفتم دارن خدا بخواد فارسی خواندن و نوشتن رو یاد می گیرن.

* دو تا از دوستانم با خودم برم کتابخانه اونا هم کتابخوان شدن.

* پارسال رفته کلاس های ESL دارم کم کم زبان یاد می گیرم البته حالا حالا خیلی کار داره چقدر به این یا اون بگم اینو برام بخون به اون اینو بگو یا شما ببین این چی میگه.

* چند سالی بود از وقتی که اومدم به هیشکی نه تلفن میکردم نه نامه می نوشتم پارسال از این کار خودم بدم اومد شروع کردم به تماس و ارتباط حالا اول پدر و مادرم بعداً بقیه حساسی از من راضیند مگه ما چند سال زنده ایم! یا پدر و مادرای ما یا قوم و خویشا؟

* پارسال خیلی کتاب خوندم، خیلی چیزا رو توی کامپیوتر پیدا کردم چقدر از فرهنگ لغت کامپیوتر چیز یاد گرفتم یا از ویکی پدیا...

آری، آری زندگی زیباست

سروده سیاوش کسرای

گفته بودم، زندگی زیباست،

گفته و ناگفته ای بس، نکته ها کاین جاست،

آسمان باز، آفتاب نرم،

باغ های گل، دشت های بی در و پیکر،

تاب نرم رقص ماهی در بلور آب

خواب گندم زارها در چشمه و مهتاب

بوی عطر خاک باران خورده در کبسار

آمدن، رفتن، دوییدن، عشق ورزیدن

در غم انسان نشستن

پا به پای شادمانی های مردم پای کوییدن،

آری آری زندگی زیباست،

زندگی آتشگی دیدنده پابرجاست،

گر بیفروزیش

رقص شعله اش

در هر، کران پیدااست

ورنه خاموش است و خاموشی گناه ماست

زندگی را شعله می خواهد

شعله ها را هیمة سوزنده

جنگلی هستی تو ای انسان

جنگل ای رویده آزاده

سر بلند و سبز باش ای انسان

ای جنگل انسان، جنگل انسان

Kahrizak Foundation
www.kahrizak.com

is holding the 16th annual Norouz Bazaar
To benefit
Kahrizak, a Center For Living, Education and Rehabilitation of
the Disabled and the Elderly, in Tehran

SUN, March 16, 2008 - 9am - 5pm

at a new location

Cupertino Quinlan Center
10185 N. Stelling Rd., Cupertino CA 95014

Join us for a fun filled day of community effort to
celebrate Norouz

All your Haft Seen needs, Persian pastries, Norouz flowers, handicrafts from
around the world, music of Ostad Nejad, traditional dance by Ballet Afsaneh,
homemade Persian food, jams and torshi,
and much much more.

Lunch will be served at 12:00 - 2:00 by
Shalzar Restaurant

یکشنبه ۱۶ مارچ
بازار نوروزی کهریزک
به نفع آسایشگاه خبریه کهریزک

از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر

انواع شیرینی های نوروزی، آجیل چهارشنبه سوری، ترشی و مرباجات خانگی، کتاب و صنایع دستی
به همراه رقص و موسیقی. صرف ناهار. خرید وسایل هفت سین، گل و سبزه.

ورود برای عموم آزاد است